



اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است و رویدنی [هایی] که [رمه‌های خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن است (۱۰) به وسیله آن کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می‌رویند قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌ای است (۱۱)

4-February 2011

۱۳۸۹ دلو ۱۵

شماره ۶۹

سال چهارم

اجرت و حکم آن در قوانین نافذه و اعلامیه های جهانی

تبع و نگارش:
سید یاقر حسینی

اهمیت اقتصادی مزد

یکی از منابع اقتصادی افراد جامعه «مزد» می باشد. مطابق به این مقوله، عده ای از افراد در بدل انجام کاری، وجه مالی و غیرمالی از صاحب کار دریافت می کنند. قانونگذار به منظور تنظیم امور فی مابین کارگران و صاحب کار قوانینی را وضع کرده است. قانون کار در رابطه میان کارمندان و ادارات دولتی، وجایب ادارت و کارمندان در مقابل یکدیگر، مزد و نحوه پرداخت آن را تحت پوشش قرار داده است. ... ادامه درص ۳

قرارداد دیزاین تعمیر جدید وزارت عدلیه به امضاء رسید

قرارداد دیزاین تعمیر جدید وزارت عدلیه روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ با شرکت ستدیوی زرنگار امضا شد که در جریان (۵) ماه کار دیزاین آن تکمیل می گردد. تعمیر جدید وزارت عدلیه واقع دارالامان در (۲۵) جریب زمین دیزاین و بعداً در ظرف دو سال و شش ماه اعمار خواهد شد. این تعمیر در حدود (۴۵۰۰۰۰) دالر امریکایی هزینه خواهد داشت که با پرداخت مالیه اش به (۴۷۳۵۱۳) دالر بالغ میگردد و به کمک مالی بانک جهانی ساخته میشود که بعد از اكمال دیزاین، کار ساخت آن آغاز می گردد.

محجور کیست؟

در دانه فضائی

در مجموع می توان گفت که همه افراد و اشخاص از اهلیت تمتع (بهره مند شدن از حق) بر خور دار می باشند به این مفهوم که دارای حق هستند. اما در بعضی حالات و شرایط ممکن از اهلیت استیفاء بهره مند نباشند یعنی توانایی اجرای حق را نداشته باشند. حالا کسانیکه اهلیت استیفاء را ندارند محجور نامیده می شوند. چنانکه مواد ۴۰ و ۴۱ قانون مدنی چنین تصریح نموده است: «شخصیکه از نگاه صغر سن، معتوه بودن یا مجنون، غیر ممیز باشد، نمی تواند معاملات حقوقی را انجام دهد. شخصی که به سن هفت سالگی نرسیده باشد غیر ممیز محسوب می گردد.»

«شخص ممیزی که به سن رشد نه رسیده یا این که به سن رشد رسیده اما سفیه یا مبتلا به غفلت کاری باشد، ناقص اهلیت پنداشته می شود.»

حجر در لغت به معنی منع است. و در اصطلاح حقوقی حجر عبارت است از منع شخص از تصرف در اموال و حقوق مالی خود و انجام دادن اعمال حقوقی مانند عقد، ایقاع و...

حجر در قاموس اصطلاحات حقوقی چنین تعریف شده است: منع تصرفات قولی شخصی که به سبب نقصان عقل یا سوء تصرف به میان می آید.

بنا بر این محجورین اشخاصی هستند که به علت صغر سن یا اختلال قوای دماغی نمی توانند در امور خویش آزادانه تصرف نموده و اعمال حقوقی که برای تداوم حیات انسان لازم است انجام دهد از این رو به حمایت قانون ضرورت دارد. چنانکه ماده ۳۱۹ قانون مدنی در زمینه ذیلا صراحت دارد:

«شخص بالغ به سبب جنون، معتوهیت، سفاهت یا غفلت وی در اداره اموال محکوم به حجر گردیده و تا وقتی دوام می کند که محکمه برفع آن حکم نه نموده باشد.

محکمه برای اداره اموال شخص محجور علیه، مطابق به احکام مندرج این قانون قیم تعیین می نماید.»

محجور علیه عبارت از شخصی است که شرعاً و قانوناً تصرف قولی وی و یا انفاذ آن ممنوع قرار گرفته باشد.

تمام انسانها دوره طفولیت (دوره صغر) را سپری می نمایند. در این مرحله از تصرف در اموال خود منع شده اند یعنی دوره حجر طفولیت را همه ناچارند که بگذرانند. ولی در برخی موارد بعد از اتمام دوره صغر بعضی افراد به سبب اینکه رشد کافی جهت اداره امور خود ندارند محجور می باشند. علاوه بر آن بعضی از اشخاص هستند که مبتلا به جنون (زوال عقل) که بنا بر عوامل مختلف به وقوع می پیوندد) اند و یا سفیه (کسی که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلانی نبوده، مالش را بیجا مصرف نموده و آنرا با اسراف تلف می کند). هستند، اینها نیز محجور پنداشته می شوند.

قبلاً گفته شد که حجر در برابر اهلیت استیفاء بکار رفته و محجور بکسی اطلاق می گردد که به علت نقص یا فقدان اهلیت نتواند تصرف در اموال خود داشته و یا اعمال حقوقی خویش را انجام دهد. برای روشن شدن بهتر موضوع ابتداء اهلیت را تعریف می نمایم. اهلیت عبارت است از: ظرفیتی که شخص برای دارا شدن و اجرای حق و تکلیف دارد.

دانشمندان حقوق اهلیت را به دو دسته تقسیم کرده اند یکی اهلیت تمتع و دیگری اهلیت استیفاء (تصرف و یا اداء) نام برد.

اهلیت تمتع:

اهلیت تمتع عبارت است از همین که وجود انسان شکل گرفت و پا به عرصه حیات نهاد، توانایی دارا شدن حقوق را کسب می کند. اهلیت تمتع را به نام اهلیت تملک و اهلیت استحقاق نیز یاد نموده اند. بنا بر این می توان گفت که انسان قبل از تولد، دارای اهلیت تمتع ناقص است. در صورت زنده متولد شدن طفل دارای اهلیت تمتع کامل می گردد.

اهلیت استیفاء:

اهلیت استیفاء با داشتن قوه درک و تشخیص میسر خواهد شد اهلیت استیفاء یعنی به اجراء گذاشتن حق و تکلیف می باشد. هنگامیکه قوه درک و تشخیص انسان رشد... ادامه درص ۳

تبع و نگارش:
محمد عارف صباح

دماشوم د حقوقو در ناوي کوو

مسوولیت مدنی

ماشومان د ټولني زيان ليدونکي برخه ده چه په دوامداره توگه ددوي حقوق ضايع کيږي د دغه کار اساسي دليل د ماشومانو جسمي اوروحي ضعيف والي او ناتواني ده. ځکه د ماشومانو وجودي حالت ناتوانه او ضعيف حالت ده چې د عقل او تفکر مرتبي ته نه دي رسيدلي ددي سبب له امله ماشومان د مادي او معنوي ضرر لاندې واقع شوي دي. لازمه ده چې د

ماشومانو بڼه څارنه وشي کله چې مونږ، تير تاريخ ته کتنه وکړو. گورو چه د ټولني ماشومان يعني دا طبقه ناتوان مخلوق د ډول ډول عواملو قرباني کرځيدلي دي څرنگه چې د فرعون او فرعونيانو، د قدیم روميانو او د اسلام ظهور څخه له مخي دعبانو په تاريخي دوره کي د ماشومانو همدارنگه د نوزاده انجونو ژوندي قبر کي خښول د زماني او تاريخ يو

معمولي کار په ټولنه کي وه چې د اسلام مبین دين په ظهور (مېنځ ته راتللو) سره د اسلامي دين د احکامو په ذريعه ماشومانو ته خاص کرامت او عزت ورکړل شو. او د اسلام د څرگنديدو څخه وروسته زيات شمير ټولنو دغه اساسي اصل ته توجه وکړه او ماشومانو او د ماشومانو حقوقو ته ئي درناوي (احترام) ومانه. سره له دي ځيني... پاتې پر ۲ مخ کي

نام مسوولیت ناشی از حوادث حقوقی یاد می شود.

از زمانه های بسیار دور تا امروز کشورهای که قوانین مدنی دارند مسوولیت مدنی وقتی مطرح بحث قرار می گیرد که شخص مرتکب عمل، دارای تقصیر باشد. یعنی مسوولیت سوپرگتیف اساس مسوولیت مدنی را تشکیل می دهد. مسوولیت سوپرگتیف خود شامل اجرای عمل یا امتناع از عمل می گردد. در هریک از این دو ساحه به بررسی و تحقیق رفتار شخص که باعث جبران خساره گردیده است پرداخته می شود. در ارزیابی رفتار شخص توجه به این مطلب است تا ثابت شود که شخص عمداً عملی را انجام داده و یا در اثر سهل انگاری و بی احتیاطی... ادامه در ص ۲

مسوولیت مدنی عبارت از مسوولیت حقوقی و پاسخ گفتن از اعمال خود در مقابل اشخاص می باشد. مسوولیت مدنی یا ناشی از اعمال حقوقی می باشد یا ناشی از حوادث حقوقی.

مسوولیت مدنی ناشی از اعمال حقوقی وقتی مطرح می شود که قراردادی صورت می گیرد و یکی از طرفین به تعهدی که نموده پابند نمی باشد. و یا تاخیر در پرداخت صورت می گیرد. انجاست که مسوولیت مدنی مطرح می گردد. اما وقتی مسوولیت مدنی ناشی از قرار داد نبوده بلکه در اثر عمل ارادی مجرمانه و یا غیر مجرمانه شخص به دیگری صدمه برسد انجاست که مسوولیت مدنی مطرح می شود که شخص را مکلف به پرداخت جبران خساره می گرداند. و به

تبع و نگارش:
فیض الله خواجه امانی

و هم مسوولیت جزائی به میان می آید. اما حالاتی وجود دارد که مسوولیت جزائی و مسوولیت مدنی به طور علیحده علیحده به وقوع می پیوندد. مسوولیت جزائی مانند جرم ولگردی یا شروع به جرم یا در مسوولیت مدنی مانند شخص بدون قصد به مال دیگری ضرری می رساند و یا موجب تخریب آن می گردد مکلف به پرداخت جبران خساره می باشد.

اگر شخصی به تمامیت جسمی، مال و دارائی و حیثیت اشخاص دیگر صدمه برساند مطابق اصول قبول شده حقوق در تمام جهان مسئول بوده مکلف به پرداخت جبران خساره می باشد. اما حالاتی اتفاق می افتد که شخص در پهلوی مسوولیت مدنی و پرداخت جبران خساره مسوولیت جزائی پیدا کرده، مواجه به تطبیق جزا می شود. یعنی از عین عمل هم مسوولیت مدنی

پیامد منفی

فساد اداری

تبع و نگارش: سید محمد رضا فخری



باعث رکود سیستم اداری می گردد. بدیهی است تا زمانی که ریشه های بیماری شناسایی نشود، هردرمانی بی نتیجه خواهد بود. ... ادامه در ص ۲

را به چالش های گوناگون مواجه ساخته است. به طوریکه باعث ایجاد مشکلات زیادی در جامعه گردیده است. فساد اداری همانند یک بیماری

و یکی از مشکلات نظام های اداری، فساد اداری است. فساد اداری در کشور ما یکی از مشکلات عمده بوده و نظام اداری

فساد در هرکشوری ممکن وجود داشته باشد ولی در برخی از کشور ها کمتر و در برخی بیشتر است. یکی از مهم ترین چالشهای جهان امروزی

پیامدهای منفی فساد اداری ...

مفهوم لغوی فساد

برای فساد (deterioration) یک تعریف جامع و مانع امکان پذیر نیست. زیرا مفاهیم همواره متغیر اند و از یک زمان تا زمان دیگر و از یک مکان تا مکان دیگر و از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر، تفاوت می کند. فساد نیز از همین گونه مفاهیم است.

در زبان فارسی، واژه فساد به معنای تباهی، گنبدگی، پوسیدگی، بی اعتباری، خرابی پوچی و نیز به صورت مصدر به معنای اموال کسی را به زور و ستم گرفتن آمده است.

در فقره (۳) ماده سوم قانون مبارزه با فساد اداری مفهوم اصطلاحی فساد اداری قرار ذیل تصریح گردیده است:

«فساد اداری عمل خلاف قانون است که توسط کارکنان دولتی و سایر موظفین خدمات عامه به مقصد حصول اهداف و منافع شخصی و یا گروهی به اشکال ذیل صورت می گیرد:

اختلاس و غدر، سرقت اسناد، اتلاف اوراق و اسناد، تجاوز از صلاحیت های قانونی، استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی، امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر موجه، کتمان حقیقت، جعل و تزویر اسناد، وانمود ساختن صلاحیت اجراء و یا امتناع از اموریکه وظیفه موظف خدمات عامه نباشد، تجاوز از حدود صلاحیت های قانونی، اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرای کار در امور مربوطه، تعلل بی مورد در اجراءات وظیفه محوله، رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد، تطمیع، سفارش و التماس غیر قانونی و واسطه شدن و دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقوی، مذهبی، لسانی، حزبی، جنسی و شخصی در انتخاب و استخدام.»

در تعریف فوق به صورت واضح تمام ابعاد فساد اداری ارایه گردیده است که حتی اخذ هر نوع برخورد سوء موظفین خدمات

عامه و یا تملل در کار های یومیه را نیز جز فساد اداری تعریف نموده است.

اثرات منفی فساد اداری

یکی از مهم ترین مباحث مربوط به فساد اداری، تاثیرات منفی فساد بر سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی جامعه است. برخی اثرات منفی فساد اداری را به شکل زیر می توان برشمرد:

۱- کاهش امکان برنامه ریزی و سیاست گذاری واقع بینانه؛ زیرا در صورت فراوانی فساد، هیچ آماری صحیحی در دست نخواهد بود و چون آمار درست در دست نیست، سیاست گذاری ها غلط از آب درخواهند آمد.

۲- تضعیف موقعیت دولت؛ بدیهی است وقتی فساد دامن گیر یک نظام می شود، مردم تمام اعتماد و اعتقاد خود را نسبت به آن نظام از دست می دهند.

۳- ایجاد نارضایتی های عمومی؛ از آنجا که هدف تشکیل حکومت، حرکت در راستای اهداف تعیین شده است، لذا وقتی مردم می بینند که حکومت به سمت دیگر روان است، مردم در قالب های مختلف نارضایتی خود را اعلام خواهند کرد و واکنش نشان خواهند داد.

۴- کاهش قدرت چانه زنی دولت در روابط بین الملل؛ چون دولت های که دچار فساد اداری هستند، از پشتوانه کافی مردمی برخوردار نیستند، و نمی توانند در عرصه های بین المللی از منافع ملی خود دفاع کنند.(۶)

به همین ترتیب می توان از تاثیرات منفی فساد بر مقوله هایی چون آزادی، برابری، حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی، توسعه و... سخن گفت. در مجموع می توان گفت که تاثیرات منفی فساد به عنوان یک بازخورد منفی بر خود سازمان و سیستم دولت است که آنرا از درون تهی ساخته و از فلسفه وجودی اش که همانا خدمت به مردم است، دور می سازد.

راهکار ها

در فرایند مبارزه با فساد اداری سه چیز همواره باید مد نظر باشد؛ یکی اینکه فساد یک امر اجتناب ناپذیر، ملموس و عینی است که در همه جا وجود دارد. دوم اینکه

غلبه بر فساد اداری یک پروسه طولانی و دوام دار بوده که در کوتاه مدت حاصل نمی شود مگر اینکه به صورت صادقانه و با قاطعیت به آن مبارزه صورت گیرد. سوم اینکه به هر حال مبارزه با فساد اداری باید نتیجه بدهد و در کشور های مختلف نتیجه داده است، پس نباید نا امید شد.

به اعتقاد اکثر دانشمندان و سازمان های ذیربط در امر مبارزه با فساد اداری، مبارزه علیه فساد اداری بر پنج عنصر کلیدی استوار است که عبارتند از:

۱- افزایش پاسخگویی سیاسی دولت ها،

۲- تقویت مشارکت جامعه مدنی،

۳- ایجاد یک بخش خصوصی رقابتی،

۴- جلوگیری از تمرکز قدرت افراد محدود،

۵- بهبود و ارتقای مدیریت بخش دولتی،

هنگامی که از وجود فساد اداری در یک اداره سخن گفته می شود، معمولاً به این معناست که قانون به خوبی اجرا نمی شود و یا اگر می شود، همه گیر نیست و در این عملکرد، اجرای قانون مورد سوء استفاده واقع می شود، تا افراد، به اهداف سوء خودشان برسند. این اهداف می تواند مادی و مالی و یا شامل راضی کردن غیر معقولانه ی دیگران، باشد.

منابع و ماخذ:

- دست نوشته هایی از محمد هدایت <http://aspix.۳۵-mhedayat.blogfa.com/post>
- فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی (ترجمه المنجد)، ترجمه احمد سیاح.
- قانون مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری طبع جدی ۱۳۸۶.
- مسعود انصاری و محمد علی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲، واژه فساد، انتشارات مجراب فکر، ۱۳۸۴
- علی ربیعی، زنده باد فساد، ص ۲۹.(رشوه و فساد اداری در دستگاه جاری حاکمه افغانستان) نوشته توسط سایت جاویدان ۱۵ سرطان ۱۳۸۷.
- محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۲۸۰۲، کتابخانه گنج دانش.
- www.persian.usinfo.state.gov

معین مسلکی وزارت عدلیه عازم ایران شد

کنسلی افغانی متن دیگر موافقتنامه همکاری قضایی بود که باید منصفه تطبیق بخود بگیرد و رئیس قوه قضایه درین مورد نظر موافق داشتند و ایشان از یکتعداد افغانان مرتکب جرایم متعدد که از طرف قوه قضایه ایران عفوگردیده اند تذکر داده و آمادگی برای هر گونه همکاری قضایی با قوه قضایه و وزارت عدلیه افغانستان نشان دادند.

در ملاقاتیکه در روز سوم اقامت معین مسلکی وزارت عدلیه افغانستان با معین وزارت عدلیه ایران داشت معین وزارت عدلیه ایران وعده داد تا میکانیزم تطبیق موافقتنامه همکاری قضایی را ترتیب و با مقامات کنسلی افغانی در میان بگذارد تا تطبیق عملی آن شروع شود.

از اینکه مقامات افغانی در سفارت افغانستان و یا رجالیکه از افغانستان به ایران سفر میکنند و نمیتوانند با محبوسین افغانی ملاقات کنند یاد آوری گردیده و طلب فراهم آوری تسهیلات درین مورد گردید و معین وزارت عدلیه ایران در جواب گفتند تا پرسونل کنسلی سفارت افغانی با مضاعف ساختن فعالیت های خویش تماس با وزارت عدلیه ایران قائم کنند و تقاضای تسهیلات بیشتر را بنمایند از اینکه تقاضا های سفارت افغانستان مبنی بر دسترسی به محکومین افغانی مخصوصاً اعدام هاییکه از مجرای وزارت خارجه ایران صورت میگیرد و به نتیجه مثبت منتهی نمیشود یاد آور گردیده اما ایشان گفتند که سفارت افغانستان میتواند یک کاپی در خواست را به وزارت عدلیه نیز بفرستند.

موضوع تعلیم و تربیه پرسونل عدلی و قضایی افغانستان و اینکه ایران درین قسمت چه کمک به وزارت عدلیه افغانستان و مرکز مستقل تعلیمات حقوقی افغانستان، کرده میتواند مطرح گردیده ایشان آمادگی کامل درین ساحه نشان دادند و درخواست نمودند تا تقاضاهای خویشرا از طریق سفارت جمهوری ایران در افغانستان به آنها برسانیم رشته های حقوق را که آنها میتوانند پرسونل افغانی را تربیه بیشتر کنند توضیح گردیده تقاضای ما البته تربیه پرسونل ریاست وکلای مدافع و مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه بود که معین وزارت عدلیه ایران ضمن اینکه از پیشرفت های خود درین ساحه یاد آوری کرد از سیستم تعلیم و تربیه وکلای مدافع کشور خویش حرف زده و آمادگی نشان داد تا وکلای مدافع افغانی را نیز شامل پراگرام های خویش بسازند، تعلیم و تربیه پرسونل محاسب موضوع دیگر بود که مطرح شد و جانب ایرانی درین قسمت هم ابراز آمادگی برای همکاری نمودند.

دماشوم د حقوقو درناوي کوو ...

نیازمند(نیازلرونکي) ماشومان دي .

- غیر ممیز طفل (ماشوم) هغه شخص دي چي اووه کلني سن ئي نه وي بشپړ کړي .
- طفل ممیز (تمیز کونکي ماشوم): هغه شخص دي چي د اووه کلني سن ئي بشپړ او د وولس کلني سن ئي نه وي بشپړ کړي .
- خوانکي ماشوم(طفل): هغه شخص دي چي د دولس کلني سن ئي بشپړ او د اتلس کلني سن ئي نه وي بشپړ کړي
- قانوني ممثل : د ماشوم (طفل) له والدينو، وصيانو ، خپلوانو ، قيم ، و کيل يا قانوني سر پرست څخه عبارت دي
- حجز: د ماشومانو (اطفالو) د اصلاح او روزني په مرکز کي د محکوم ماشوم (طفل) د ازادي له تحديدولو څخه عبارت دي .
- په کور کي حجز: په کور څخه خصوصي يا عمومي ځاي او د تولنيزو خدمتونو په اختصاصي موسسوکي د ټاکلي مودي لپاره د ماشوم (طفل) مقيد کول دي .
- دارنکه د ماشومانو (اطفالو) سرغړوني د اصطلاح اطلاق په داسي اعمالو کيږي چي ماشوم د دغه عمل د کړني څخه منع شوي وي همدارنکه د دغه اعمالو کړنه د لو يانو لپاره جرم ښودله شوي وي مگر لنډ شمير داعمال کړنه د ماشوم لپاره تخلفي عمل حساب کيږي .

.../ خاک افغانستان شوند، موضوع تخفيف مجازات مجرمين که محکوم به اعدام اند تقاضا گردید و همچنان عفو کسانیکه به جرایم جنحه، خفیه و متوسط محکوم شده اند نیز در خواست گردید.

در ملاقات که قانونپوه داکتر محمد قاسم هاشمزی معین مسلکی وزارت عدلیه به معینی مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان با رئیس قوه قضایه جمهوری اسلامی ایران داشتند موضوعات عدلی و قضایی به ارتباط محبوسین و محکومین و تقاضاییکه جمهوری اسلامی افغانستان از مراجع عدلی و قضایی ایران دارد توسط معین مسلکی وزارت عدلیه کشور در میان گذاشته شد.

نخست از سفر وزیر عدلیه ج.ا.ا به ایران و ملاقات که آنها با رئیس قوه قضایه آن کشور داشتند یاد آوری گردیده و وعده های همکاری را که رئیس قوه قضایه ایران به وزیر عدلیه افغانستان داده بودند یاد دهانی شده و از وی در خواست شد تا در قسمت محکومین به اعدام از دلایل مخففه بیشتر از آنچه که در محاکم ایران به آن اتکا میشود کار گرفته شود.

بخاطر ابراز تقاضای ولسی جرگه و مردم افغانستان مبنی بر تخفیف مجازات محکومین به اعدام به یکدرجه پایینتر به دلیل نادانی محکومین به اعدام از قوانین نافذه ایران و آله دست قرار گرفتن آنها توسط فاعلین اصلی قاچاق مواد مخدر مطرح شده و از رئیس قوه قضایه تقاضا گردید تا در قطار دلایل مخففه محاکم خود دو نکته فوق را نیز منحث دلایل مخففه برای محکومین به اعدام حساب کنند.

از جرم مستمر و واقعیت اینکه اصلا قاچاقچیان جرم را در افغانستان مرتکب و شروع جرم را از آنجا آغاز میکنند هم یاد آوری شده و در خواست گردید تا چنین مرتکبین را به حوزه قضایی بفرستند که جرم از آنجا شروع شده است، سپس از موافقتنامه همکاری قضایی که به تازگی مراحل خود را در جمهوری اسلامی ایران طی و نافذ گردیده تذکر داده شده و به دو ماده آن اشاره شد که مطابق به آن همکاری قضایی از ابتدا یعنی متعاقب دستگیری الی محکومیت قطعی و دسترسی مقامات کنسلی افغانی به دوسیه های چنین اشخاص یاد آوری شده و از رئیس قوه قضایه ایران در خواست گردید تا برای تطبیق ماده فوق هدایت دهند که مقامات افغانی از محبوسین دیدن و دوسیه های آنها را تعقیب نمایند که البته به نظر مثبت شنیده شد.

دادن احصایه مجرمین و متهمین به مقامات

مساله مسوولیت اهمیت بیشتری پیدا می کند و ادعای مبنی بر جبران خساره بیشتر می شود. مثلاً در اثر حادثات ترافیکی، تصادفات موتر وسایر خطرانی که ما شینیسیم با خود آورده ایجاب می نماید تا قربانیان این حوادث حمایت گردند. زیرا به همان پیمانکه که اندازه مصیبت و خطرات افزایش می یابد راه حل و علاج درستی می توان بدان یافت. طور مثال کارگری در اثر حادثه کار در کارخانه صدمه دیده و متضرر می گردد. باید تقصیر کارفرما در ارتباط با وسایل کار، حفظ و مراقبت این وسایل که احتیاط لازم را به خرج نداده ثابت گردیده

وی مسئول جبران خساره می باشد. زیرا هر فردی که در جامعه فعالیت می کند محیط خطرناکی بوجود می آورد و به سبب منافع مادی و معنوی که برای او متصور است طبعاً زیانهای حاصله را بایستی متحمل شود. مطابق این طرز تفکر کار فرما که از فعالیت خود منافعی بدست می آورد باید متحمل زیانهای آن نیز گردد که در اثر این فعالیت وی به میان می آید. جبران خساره کارگری که متضرر می گردد یکی از جهات متحمل شدن این زیانها است.

منابع و ماخذ.

- قانون مدنی - سال ۱۳۵۵.
مجله قضا شماره هشتم - سال ۱۳۶۴.

ماده (۷۹۷) قانون مدنی به ارتباط ضرری که از طریق آلات تخنیکی به دیگری می رسد و باید جبران خساره گردد نیز موارد دارد که در زمینه تصریح می دارد:

«شخصی که الات تخنیکی یا دیگر اشیای را در اختیار داشته باشد که جلوگیری از تولید ضرر آنها مستلزم توجه خاص باشد. در صورت وقوع ضرر از اشیا و آلات مذکور مسئول شناخته می شود. مگر اینکه ثابت نماید در جلوگیری از وقوع ضرر احتیاط کافی را به کار برده است. احکامی خاص که در زمینه بعداً وضع گردد نیز رعایت می گردد.»

در تمام موارد متذکره فوق وقتی جبران خساره مطرح می گردد که تقصیر شخص موجود باشد از این رو مانند قوانین مدنی سایر کشورهای دنیا طرز تفکر موجودیت تقصیر برای به میان آمدن مسوولیت مدنی در قانون مدنی ما هم قبول شده است.

حالا می بینیم عوامل متعددی باعث می شود که اشخاص متحمل ضرری می گردند که باید از ایشان حمایت نماییم و خساره وارده آن را جبران کنیم. مثلاً در عصر حاضر ما می بینیم که عصر ماشینیسیم است، ماشینیسیم همانطوری که نظام اقتصادی و اجتماعی دنیا را تغییر داد سیستم تولیدی کهنه جای خود را به سیستم تولیدی جدید (ماشینیسیم) گذاشت و با پیشرفت صنعت

مسوولیت مدنی ...

.../ وی ضرری به میان آمده که شخص بدین ترتیب مقصر بوده و پاسخگوی نتایج اعمال خود می باشد.

در قانون مدنی تحت عنوان حوادث قانونی در رابطه به موضوع جبران خساره پیش بینی هایی به عمل آمده چنانچه به اساس حکم ماده (۷۵۸) قانون مدنی «شخصی که مال غیر را تلف نماید به ضمان ضرر ناشی از آن مکلف می باشد.» ماده (۷۶۵) قانون مذکور در رابطه به پرداخت جبران خساره از طریق غصب نیز موارد دارد که چنین مشعراست.

«۱- غاصب به رد آنچه غصب نموده مکلف می باشد.

۲- اگر ضرری به اثر غصب عاید گردد. مرتکب بر علاوه رد عین مال مغضوبه در محل غصب، به جبران خساره نیز مکلف می باشد.»

مطابق حکم ماده (۷۷۴) قانون مدنی شخصی که مرتکب فعل مضره مانند قتل، ضرب و جرح گردد به جبران خساره وارده مکلف می باشد.

مطابق احکام ماده (۷۷۷) هر نوع تجاوزی که باثر آن به شخص دیگری ضرر برسد شخص مسئول جبران خساره می باشد.

استراتیژی آگاهی عامه حقوقی…

…/ ادارات حقوق وزارت عدلیه.

• جهت رعایت تساوی زن و مرد (چندر) حین استخدام کارمندان آگاهی عامه حقوقی، حق اولویت به خانم هایی است که دارای تحصیل و تخصص در رشته حقوق، فقه و قانون باشند.

• وزارت عدلیه اولین مرکز منابع (Resource Center) آگاهی حقوقی را در ریاست مساعدت های حقوقی ایجاد نموده است که مواد حقوقی تهیه شده در این مرکز حد اقل برای آموزش حقوقی ۳۵ % افراد بی سواد و کم سواد جامعه مفید می باشد. این مواد شامل موضوعات حقوق اساسی، رابطهٔ اسلام و حقوق بشر، حقوق زنان و اطفال، وظایف و صلاحیت های ادارات حقوق و ادارات پولیس، نحوهٔ دسترسی مردم به محاکم و شیوهٔ کار قضات، خارنوالان و وکلای مدافع و اساسات حل و فصل منازعات از طریق شوراهای اصلاحی می باشد.

• هر کارمند مبلغ آگاهی حقوقی ریاست مساعدت های حقوقی، در مرکز و ولایات مکلف است سالانه حد اقل ۲۴ برنامهٔ آگاهی حقوقی را برای زنان، اطفال، ملا امامان مساجد و متنفذین محل و عامهٔ مردم دایر نماید.
• برای تمام کارمندان آگاهی حقوقی آموزش های معیاری و مناسب به قرار ذیل فراهم خواهد گردید:
۱) برنامه هایی در مورد موضوعات حقوقی و حقوق بشر مثل حقوق زنان و اطفال، اساسات میانجیگری، حل دعوا و طرز تحصیل حقوق.

۲) برنامه ای در مورد شیوهٔ برنامه ریزی برای آموزش مردم و نحوه ارائه معلومات حقوقی به مردم.

• ادارات مربوط وزارت عدلیه جلسلات منظمی را برای ارائهٔ آگاهی عامه حقوقی برای وزارت امور داخله بخصوص ادارات پولیس، وزارت امور زنان و سایر ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی با نظرداشت اهمیت ساحهٔ کاری آنها و تأکید به رعایت و حمایت از حقوق بشر، حقوق اساسی اتباع و احکام قانون طرز تحصیل حقوق دایر می نماید.
• ادارات مربوط وزارت عدلیه جلسلات منظمی را به همکاری سازمان ها و مؤسسات غیر حکومتی داخلی و خارجی دایر و از کمک های آنها جهت تدویر برنامه های آموزش حقوقی برای کارمندان آگاهی عامهٔ حقوقی استفاده می کند.

سایر نتایج متوقعه

• بهبود حقوق بشری کلیه شهروندان کشور بخصوص زنان، اطفال، معلولین و معیوبین.
• افزایش احترام و بردباری میان اقوام و فرهنگ های مختلف در کشور.
• جلب اعتماد افراد جامعه به سیستم حقوقی کشور با عرضهٔ بهتر خدمات حقوقی.

اهداف عمومی

هدف ۱: افزایش آگاهی حقوقی افراد جامعه (زنان، مردان و اطفال) نسبت به قوانین به منظور دسترسی بهتر آنها به عدالت.

• اکثریت مردم نسبت به حقوق قانونی خویش و نحوهٔ دسترسی به آن و طرز مراجعه به ادارات عدلی و قضائی معلومات کافی نداشته که فقدان آگاهی حقوقی تأثیرات منفی فراوانی روی کیفیت زندگی آنها وارد می نماید.
• بزرگترین تأثیر احتمالی فقدان آگاهی حقوقی پایمال شدن حقوق مثبته آنها می باشد. زیرا در صورت عدم آگاهی حقوقی نمی توانند از حقوق حقه شان در ارگان های عدلی و قضایی به درستی دفاع نمایند که در نتیجه، دسترسی به عدالت برای آنها ناممکن می گردد.
• بنابراین، مردم باید از حقوق شان آگاه شوند و بدانند که چه نوع حقوقی توسط قانون اساسی، سیستم حقوقی و مجریان قانون به شمول محاکم، خارنوالان،

وکلای مدافع و پولیس پشتیبانی و حمایت می شود. برنامه آگاهی حقوقی باید طوری طرح و ارائه گردد که به مخاطبین اصلی آن در منازل، مکاتب یا محلات تجمع مردم از طریق افراد متنفذ محلی، علما، ملا امامان مساجد، معلمان، استادان، محصلان، نمایندگان منتخب، مؤسسات و رسانه ها برسد.

برنامه عمل

تهیه برنامهٔ عمل مطابق استراتیژی به منظور دستیابی به هدف متذکره:

• تنظیم فعالیتهای آگاهی عامهٔ حقوقی از طریق کارمندان مؤظف در تمامی ولایات و ولسوالی هایی که در آن ادارات حقوق وزارت عدلیه وجود دارد،

• تهیه و پخش پیام های آگاهی عامهٔ حقوقی از طریق کلیپ های رادیویی، تلویزیونی، سی دی، دی وی دی و سایت انترنتی در سراسر کشور،

• تدوین و نشر پیام های حقوقی از طریق رسانه های همگانی و مواد چاپی مانند روزنامه ها، مجلات، پوسترها، بروشورها، بیلبوردها، جزوه ها، فلیپ چارت ها و غیره،

• تدوین برنامه های آموزشی حقوقی و نحوهٔ ارائه آگاهی حقوقی برای وکلای مدافع، قضات، خارنوالان، پولیس، علما، ملا امامان مساجد، معلمین مکاتب پسرانه و دخترانه، کارمندان ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی، بزرگان و متنفذان محل.

فعالیت ها

• تدویر برنامه های آگاهی عامهٔ حقوقی از طریق کارمندان مربوطه مرکز و ولایات به منظور افزایش سطح آگاهی حقوقی افراد جامعه از طریق مجالس عمومی، اجتماعات محلی، مساجد، مکاتب، مدارس و غیره

• تهیه پیام های رادیویی و تلویزیونی مطابق نیاز مردم و پخش آن از طریق رادیوها و تلویزیون های سراسری و محلی،

• طرح، تهیه، چاپ و توزیع پوستر ها، بروشورها، جزوه ها، بیلبوردها و غیره،
• نشر پیام های آگاهی عامهٔ حقوقی از طریق رسانه های چاپی سراسری و محلی از قبیل روزنامه ها، هفته نامه ها، مجلات و غیره،

• تهیه، تدویر و پیشبرد برنامه های آموزشی حقوقی و نحوهٔ ارائهٔ آگاهی عامهٔ حقوقی برای وکلای مدافع، قضات، پولیس، خارنوالان، ملا امامان مساجد، معلمین، کارمندان ادارات دولتی و غیر دولتی، بزرگان و متنفذین محل.

نتایج متوقعه با تطبیق این استراتیژی

• سطح آگاهی عامهٔ حقوقی بیش از سی فیصد مردم نسبت به موضوعات حقوق اساسی و حقوق بشری، و ادارات عدلی و قضایی کشور افزایش می یابد.

• تغییرات مثبت در سلوک، رفتار، روش و برخورد کارمندان ادارات عدلی و قضایی، پولیس، معلمین مکاتب و سایر مستفیدین آگاهی عامهٔ حقوقی و مسئولیت پذیری آنها در برابر وظایف محوله ایجاد می گردد.

• حد اکثر مستفدین از حقوق و وجایب خویش آگاهی حاصل نموده و نحوهٔ تحصیل و دستیابی به آن را می آموزند.

• آگاهی عامهٔ حقوقی مردم از حقوق بشری و حقوق اساسی شان افزایش یافته و برخوردهای تنش-آلود میان افراد به طور قابل ملاحظه کاهش می یابد.

• آگاهی و آموزش حقوقی عامه در مورد منع خشونت علیه زنان و حفظ کرامت انسانی و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر دین مقدس اسلام و اسناد تقنینی نافذ کشور تأمین گردیده و خشونت های خانوادگی به حد اقل کاهش می یابد.

آگاهی حقوقی

اجرت و حکم آن در قوانین نافذه و اعلامیه های جهانی …

…/ قانون اساسی، قانون کار، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی حق دریافت مزد را از جمله «حقوق اتباع» و «حقوق بشری» خوانده است. دراین نوشته نکات فوق الذکر و احکام قوانین نافذه در ارتباط به مزد کارگر را مورد تحلیل و بررسی قرارداده و برای درک بهتر موضوع، نخست به معرفی اصطلاحات ذیل می پردازیم.

مزد (اجرت): فقره هشتم ماده سوم قانون کار چنین مشعر است:«مزد عبارت از وجوهی است که در مقابل انجام کار، به کارکن پرداخته می شود.»

فرهنگ دهخدا «اجرت» را مترادف با «مزد» و«دستمزد» گرفته است. اما برخی ازمنابع میان دستمزد، مزد و اجرت تفاوت قایل شده است.

کتاب «دانشنامه حقوق خصوصی» واژه اجرت را با «مزد»،«مزدکار»، «دستمزد» و «کرایه» مترادف دانسته است. این منبع در مورد معنی و تعریف حقوقی و فقهی اجرت می نویسد:«میزان حقوقی که شخص به دنبال یکی از عقود دوجانبه، مستحق دریافت آن می گردد، اجرت نامیده می شود. مانند اجرت شیردادن و اجرت زمین زراعتی…» اما درقوانین نافذه کشور، این تفاوت ها دیده نشده و صرف به ذکر کلمه«مزد» اکتفا شده است. درزبان عامه مردم معمولاً به مقدار پولی که افراد که کار فکری و اداری دریافت می کنند، «مزد» و «اجرت/ اجوره» اطلاق می گردد. درحالی که اگر شما کارگری را برای مدت معینی استخدام می کنید، درمتن قرار داد از کلمه« کرایه» استفاده می کنید. اما، برای پولی که به داکتر در بدل معاینه پرداخت می کنید، «فیس» یا «اجوره» یاد می گردد.

درنوشته حاضر با تبعیت از متن قوانین نافذه، منظوراز اجرت مزدی است که یک کارگر و مامور در مقابل کارش دریافت می کند.

ماده سوم قانون کاراصطلاحات آتی را چنین تعریف نموده است:

«کارکن: مشتمل بر مامور و کارکنان (مامور، کارگر، کارکن خدماتی) قراردادی اعم از زن و مرد می باشد.

مامور: کارکنی است که با رعایت احکام این قانون و قانون مربوطه (بُه قانون کار) ازطریق اداره خدمات ملکی به شکل دائمی استخدام می گردد.

کارگر: کارکنی که به اساس قرارداد معین در اداره استخدام می شود.»

ضمایم مزد: عبارت از امتیازات پولی است که در مقاطع زمانی معین، غرض انجام کار مشخص طبق احکام اسناد تقنینی مربوط به کارکن پرداخته می شود.»

فرهنگ عمید کارگر را چنین تعریف کرده است:« کارگر در لغت به معنای کار کننده و کسی که در کارخانه یا کارگاه کار می‌کند و مزد می گیرد است، که در مقابل کارفرما قرار دارد.»

دیدگاه شریعت اسلام، قوانین نافذه، اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون ها در مورد مزد

چنانچه گفتیم مزد دراقتصاد افراد جامعه و

خانواده ها رول عمده را بازی می کند. اکثر مردم درادارات دولتی و غیردولتی به عنوان کارگر و مامور درمقابل انجام کاری معاش دریافت کرده و به این شکل زنده گی روزمره را می گذرانند. به همین خاطر حق دریافت مزد معادل با میزان و کیفیت کار در تمام کشورها، اعلامیه های حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

شریعت اسلام به اهمیت مزد تاکید کرده است. چنانچه آیه ۶ سوره طلاق در مورد مزد زنان {مادران} چنین می فرماید: «… اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند، مزد شان را به ایشان بدهید.» پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز به پرداخت مزد کارگران تاکید بسیار داشته و می فرماید: « پیش از این که عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.»

با توجه به اهمیت حقوق کار، قانون اساسی، کار را «حق هر افغان» دانسته و درمورد مزد چنین اشاره نموده است:«تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد.» همچنان با تبعیت ازقانون اساسی، قانون کاراین موضوع را در ماده دوم با حمایت از حقوق کارکنان تاکید نموده است.

در قانون کار نیزراهکارها و طرزالعملهای حمایتی ای چون «ضمایم مزد»،«رخصتی های با معاش»، «مزد تشویقی»،«اضافه مزد» وغیره پیش بینی شده است.

در بند دوم ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد مزد و کار چنین آمده است: «همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، مزد مساوی در یافت کنند.» در بند سوم ماده مذکور می خوانیم که «هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.»

علاوه برآن، بند سوم ماده هفتم میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درمورد مزد و کار، «مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار، با ارزش مساوی و بدون هیچ نوع تمایز {میان مردان و زنان}» پیش بینی کرده است.

به این صورت دیده می شود که از نگاه شریعت اسلام، قوانین نافذه کشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی هر فرد حق دارد که در قبال اجرای کار، مزد دریافت کند. به همین خاطر منابع مذکور کار اجباری را نیز ممنوع قرار داده اند.

منع کاراجباری

ماده چهارم قانون کاربا تبعیت از ماده چهل و نهم قانون اساسی و رعایت میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی در مورد غیرقانونی بودن کار اجباری چنین تصریح می دارد:

«۱) کاراجباری ممنوع است. کار وقتی اجباری پنداشته می شود که کارکن به وسیله تهدید یا به نحوی دیگر خلاف اراده وی، به اجرای آن، مکلف گردد؛

۲) کاری که کارکن به حکم قانون به اجرای

۳

آن مکلف گردد، اجباری پنداشته نمی شود.»
در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیون های بین المللی، بیگار و یا عدم پرداخت مزد، مردود پنداشته شده است. چنانچه اعلامیه جهانی حقوق بشر دراین مورد تذکر داده است:«هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.»

نحوه پرداخت مزد

فقره اول ماده پنجاه و نهم قانون کار در مورد نحوه پرداخت مزد چنین مشعر است:«مزد، با در نظرداشت کمیت و کیفیت کار، بست، رتبه، درجه یا حرفه، دوره کارآموزی و عملی و سایر شرایط مندرج اسناد تقنینی مرتبط به کار، سنجش و به کارکن پرداخته می شود.»علاوه برآن، هیچ کس حق ندارد که به کارمند از مقدار تعیین شده، مزد کمتر پرداخت کند. چنانچه دربند پنجم ماده مذکور آمده است:« حداقل مزد ازاندازه که دولت تعیین می نماید، کمتر بوده نمی تواند.»

انقضای مزد به اثر مرور زمان

با درنظرداشت حکم فقره چهارم ماده ۹۶۷ قانون مدنی، اگر کارگر یا اجیری مزد خود را بعد از یک سال {اجرای کار} دریافت نکند، بعد از انقضای این مدت، برای دریافت مزدش اقامه دعوی کرده نمی تواند.علاوه برآن مزد افرادی چون وکیل مدافع، طبیب، مهندس، استاد و به طور کلی هرکس که شغل آزاد داشته باشد، مانند دلال، کمیشن کار و اهل خبره نیز بعد از گذشت یک سال قابل ادعا نیست. اما درحصه پرداخت معاش کارمندان دولتی، با آنکه در قانون کار ذکری از پرداختِ مزد بعد از یک سال نرفته است، اما معمولاً معاش سال قبل مامورین در سال بعدی پرداخته می شود.

قانون مدنی نیز معاش کارمندان دولتی را تحت مرور زمان قرار نداده است. پس شاغلان شغل های آزاد به این نکته توجه داشته باشند که معاش خود را قبل از پوره شدن یک سال از انجام کار، مطالبه نمایند. درصورتی که فردی به گونه قراردادی، مسوولیت انجام کاری را به عهده می گیرد، وی نمی تواند قبل ازختم کار، مطالبه مزد نماید. اما شخص مذکور حق دارد که به میزان پیشرفت کار، ادعای مزد نماید. به عنوان نمونه، احمد با محمود قرارداد می نماید که خانه مسکونی اش را در ظرف شش ماه اعمار نموده و درختم شش ماه اجرت یا کرایه اش را مطالبه نماید. دراین صورت محمود نمی تواند بعد از گذشت سه ماه از زمان قرارداد، تقاضای اجرت نماید.

منابع:

۱- قانون کار؛
۲- قانون اساسی؛
۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
۴- کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
۵- قرآنکریم؛
۶- سایت تیان؛
۷- دانشنامه حقوق خصوصی؛
۸- فرهنگ عمید؛
۹- فرهنگ دهخدا.

سفر وزیر عدلیه به ولایت کنر …

…/ در مساحت پنج جریب زمین به هزینه (۱۷) لک دالر امریکایی کمک مالی تیم (پی آر تی) اعمار گردیده است افتتاح نمودند و با والی کنر موافقه به عمل آمد تا بعد از انتقال محبوسین به محبس جدید در محوطه محبس سابقه که ملکیت وزارت عدلیه میباشد و مساحت آن به (۱۰) بسوه میرسد یک تعمیر مناسب برای ریاست عدلیه در ولایت کنر در دو منزل اعمار گردد متعاقبا ریاست اداری و مالی درین زمینه موظف گردید، محبس جدید الاعمار دارای هشت بلاک بوده که دو بلاک آن برای محبوسین ذکور ، یک بلاک آن برای محبوسین اناث، یک بلاک آن برای پرسونل (کارمندان محبس) قشر اناث و چهار بلاک دیگر آن به بخشهای اداری ، ایمرجنسی و دیپوها، دواخانه وکلنیک صحنی ، اتاق طعام خوری ، دو باب مسجد برای محبوسین و پرسونل محبس که هر باب آن گنجایش پنجاه نفر نماز گزار را در یک وقت دارا میباشد،سالون برای حرفه آموزی وکارهای دستی محبوسین و سالون کنفرانس اختصاص داده شده است. ناگفته نماند که محبس یاد شده بطور اساسی با معیار های عالی معمول در محابس دنیای امروزی با تمام امکانات متذکره همچنان چهار برج محافظتی، سه اتاق در بیرون از محوطه محبس برای پایواز های محبوسین، تشناب ها مع کمود ها و شاور های آب گرم و سرد، دستشویی ها و محل مناسب برای وضو گرفتن محبوسین و باد پکه ها اعمار شده که گنجایش به تعداد (۵۰۰) تن محبوسین را دارا است.

وزیر عدلیه عازم میدان وردک گردید …

…/ همچنان بخاطر فرارسیدن فصل زمستان وتسخین سلول های محبس وزیر عدلیه ج.ا.ا به مدیر محبس آن ولایت هدایت دادند تا مقداری مواد سوخت تهیه نماید که تیم (پی آر تی) جهت بر آورده شدن این مامول وعده داد که به تعداد (۳۰) تخته کمپل را همین اکتون و مقداری مواد سوخت را در ظرف دو هفته آینده فراهم میکند.

متعاقباً وزیر عدلیه کشور از محوطه زمین که قرار داد و دیزاین آن نهایی شده و قرار است در مساحت (۲۲) جریب زمین ملکیت وزارت عدلیه به هزینه (۶,۹) میلیون دالر امریکایی کمک مالی سفارت ایالات متحده امریکا بطور معیاری که گنجایش (۴۰۰) محبوس را خواهد داشت در ولایت میدان وردک اعمار گردد، دیدن نموده و آنرا یک گام بزرگ در فراهم آوری تسهیلات برای محبوسین تلقی نمودند، در فرجام از کمک های ایالات متحده امریکا قدردانی و سپاسگذاری نمودند.

نا گفته نماند که در محبس فعلی میدان وردک به تعداد (۱۲۹) تن محبوس اند.

محجور کیست؟ …

…/ کامل و کافی نمود و خوب و بد را از هم تفکیک کرده و معنای عقود، ایقاع و اعمال حقوقی را درک توانست دارای اهلیت استیفا بوده و در این صورت اهلیت وی کامل می باشد.
احیانا اگر قوه تشخیص و تمیز انسان کامل نشده باشد.

اگر برخی از اشخاص، پاره ای از امور و مسائل را از همدیگر تفکیک کرده بتوانند در این حالت نسبت به آن موارد اهلیت یافته است. و اگردر قسمتی از امور و مسائل قوه تشخیص و درک بعضی از افراد کامل نشده باشد در این صورت شخص دارای اهلیت نسبی می باشد مانند سفیه که نسبت به امور مالی درک و تمیز کافی نداشته و نمی تواند اموال خود را عقلانه اداره کند در این گونه موارد دارای اهلیت ناقص است.

Agahi Hoquqi

Publication organ for Ministry of Justice

4-February 2011

۱۵ دلو ۱۳۸۹

شماره ۶۹

سال چهارم



وزارت عدلیه

استراتیژی ملی آگاهی حقوقی

تعریف آگاهی عامه حقوقی

آگاهی عامه حقوقی عبارت است از بلند بردن سطح آگاهی مردم از حقوق و واجبات آنها مطابق قانون اساسی، احکام شرعی، قوانین موضوعه و هم چنین معرفی ارگان های ذیربط عدلی و قضایی و معرفی نحوه دسترسی به حقوق و روند تامین عدالت. استراتیژی ملی آگاهی حقوقی اذعان می نماید که برای تحقق «حاکمیت قانون» در کشور ادارات دولتی و شهروندان همه باید از قوانین موضوعه اطاعت و پیروی نمایند. هدف استراتیژی ملی آگاهی حقوقی این است که از طریق افزایش آگاهی حقوقی اطاعت از قانون را در بین افراد جامعه افزایش دهد و توقع می رود که به اثر این تلاش ها افراد و گروه ها هرگاه ادارات دولتی از قانون تخطی نمایند، شکایت نموده، از مجراهای قانونی برای اعاده حقوق شان طالب جبران خسارت گردند.

دیدگاه

دیدگاه وزارت عدلیه در مورد افزایش آگاهی حقوقی مردم به منظور تواناسازی آنها برای احقاق حقوق آنها و دستیابی به عدالت و حاکمیت قانون می باشد. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان با نظر داشت اهداف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، ارتقای آگاهی حقوقی افراد جامعه تدبیری جهت تامین دسترسی به عدالت به صورت مساویانه، منصفانه و شفاف می باشد که از طریق بهبود وضعیت سیستم عدلی و قضایی کشور به دست می آید و اصلاح سیستم عدلی و قضایی یکی از اولویت های دولت افغانستان و جامعه جهانی می باشد. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان دولت را به افزایش سطح آگاهی حقوقی مردم افغانستان مؤظف و مکلف نموده و تصریح می نماید که: «دولت آگاهی حقوقی را ارتقا می بخشد».

استراتیژی ملی سکتور عدلی

با نظر داشت اهداف استراتیژی ملی سکتور عدلی، «وزارت عدلیه مکلفیت های گسترده دارد که شامل ... بلند بردن سطح آگاهی حقوقی عامه، می گردد». استراتیژی ملی سکتور عدلی، آگاهی حقوقی را یکی از موضوعات کلیدی دانسته و آن را در چوکات هدف سوم خود تحت عنوان «کیفیت بهتر سیستم عدلی و قضایی» قرار داده است. هدف سوم «بر روند ها و کارکردهای ادارات عدلی و قضایی متمرکز می باشد تا دسترسی مردم را به خدمات عدلی و قضایی با کیفیت آسان سازد. همچنان به سایر مسایل مربوط به معلومات اساسی حقوقی جهت دستیابی متضررین، شهود، متهمین، عارضین دعاوی مدنی - جزائی و سایر افراد به عدالت کیفی مورد رسیدگی قرار می دهد».

مطابق استراتیژی ملی سکتور عدلی، «وزارت عدلیه یک استراتیژی آگاهی حقوقی را ذیلاً ایجاد و هماهنگ خواهد کرد:

- شناسایی آنها بیکه از سیستم عدلی استفاده میکنند و دستیابی خصوصی به ضروریات عدلی هر استفاده کننده
- تقویت آگاهی حقوقی ذریعه سازمان دهی پیغام ها به شنونده مطلوب از طریق رسانه های ملی و ساحوی،
- فراهم نمودن خدمات حقوقی کم هزینه یا رایگان به مدعی علیه بی بضاعت،
- فراهم آوری دسترسی مردم ادارات به ادارات عدلی و قضایی توسط معلومات موجود راجع به موفقیت های نهاد های عدلی و قضایی جهت بهتر سازی ظرفیت دسترسی.

اهداف

اهداف وزارت عدلیه از تدوین استراتیژی ملی آگاهی حقوقی عبارتند از:

۱. ارتقای سطح آگاهی حقوقی زنان، مردان و اطفال به منظور تواناسازی آنها جهت دسترسی به عدالت.
۲. تقویت تیم آگاهی حقوقی که دارای دانش تخصصی بوده و قادر به ارائه آگاهی حقوقی باشد.
۳. افزایش هماهنگی و همکاری مؤثر و مفید در زمینه ارائه آگاهی حقوقی با سایر ادارات و مؤسسات ذیربط داخلی و خارجی.

نتایج استراتیژیک متوقعه

- افزایش آگاهی حقوقی مردم به منظور دسترسی به عدالت،
- ارتقای ظرفیت گروه های آسیب پذیر جهت دستیابی به حقوق شان،
- ایجاد هماهنگی میان کلیه ادارات و مؤسسات دولتی و غیر دولتی در رابطه به ارائه آگاهی عامه حقوقی در مرکز و ولایات.
- ارتقای ظرفیت کاری کارمندان مسلکی آمریت آگاهی عامه حقوقی در مرکز و ولایات،

نتایج متوقعه

- کارمندان آگاهی عامه حقوقی ادارات حقوق وزارت عدلیه در مرکز و ولایات در جریان روزهای رسمی فعال بوده و توانایی ارائه آگاهی حقوقی را به افراد نیازمند و سایر افراد جامعه در مورد قانون اساسی، آشنایی با ادارات عدلی و قضایی، دسترسی به قانون، تامین عدالت و روش حل و فصل اختلافات از طریق شوراها و اصلاحی، خواهند داشت.
- ارائه برنامه های آگاهی عامه حقوقی در ۷۵٪ ولسوالی ها توسط.../ ادامه در ص ۳



سفر وزیر عدلیه ج.ا.ا. به ولایت کنر

دیدن نموده مشکلات محبو سین

وتوقیفی ها را استماع، عراض تعدادی از مراجعین ومحبوسین را دریافت وبه مسولین هدیایات لازم سپرده بعداً محبس جدید کنر را که .../ ادامه درص ۳

محبس، وکلای مردم در ولسی جرگه و مشرانو جرگه و جمع کثیری از بزرگان ومنتفدین قومی ولایت کنر قرار گرفت. نخست وزیر عدلیه ج.ا.ا. پیام رئیس جمهوری اسلامی افغانستان را به اراکین دولتی ومردم کنر رسانده سپس از محبس سابقه و توقیفخانه ولایت کنر

خارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا. در حالیکه وی را دگر جنرال امیر محمد جمشید رئیس عمومی محابس و توقیفخانه ها همراهی مینمود بروز پنجشنبه مورخ ۸۹/۱۰/۰۲ به سلسله سایر سفر های ولایتی خود عازم ولایت کنر گردید که مورد استقبال گرم والی، رئیس عدلیه، مدیر



معین مسلکی وزارت عدلیه عازم کشور ایران گردید

در مذاکراتیکه با معاون رئیس جمهور ایران صورت گرفت، ضمن مطرح نمودن موضوع قابل اهمیت که عبارت از اصدار اجازه برای (۱۵۰۰) تانکر های مواد پترولوی تا داخل.../ ادامه درص ۲

اسلامی افغانستان وارد تهران گردید، که مقامات ایرانی از هیئت افغانی استقبال گرم و شایان نمودند. هدف ازین سفر تقویه مناسبات تجارتي، کلتوری، قنسلوی، گمرکی، عدلی، قضایی وترانسپورتی بود.

قانونپوه داکتر محمد قاسم هاشمزی معین مسلکی وزارت عدلیه روز شنبه مورخ ۸۹/۱۰/۰۴ به هدف یک سفر سه روزه رسمی با معیتی مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول مقام ریاست جمهوری



وزیر عدلیه ج.ا.ا. با سفیر بخش عدلی و قضایی امریکا دیدار کرد

تعداد بورس های فراهم شده ۱۲ بورس ماستری در بخش عدلی و قضایی می باشد این بورس ها برای سرتاسر افغانستان بوده و هر کس که واجد شرایط باشد می تواند ازین بورس ها مستفید شوند.

دفتراش ملاقات نمودند. موضوع ملاقات شانرا پیشرفت ها در عرصه سکتور عدلی و قضایی و چگونگی تنظیم بورس های فراهم شده توسط هیئت همکاری بخش عامه و خصوصی امریکا (PPP) تشکیل میداد.

وزیر عدلیه ج.ا.ا. با سفیر بخش عدلی و قضایی امریکا دیدار کرد وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان روز یکشنبه مورخ ۸۹/۱۰/۱۹ با آقای هنس جی کلیم سفیر بخش عدلی و قضایی امریکا و هیئت معیتی شان در



وزیر عدلیه ج.ا.ا. عازم میدان وردک گردید

دولتی و مردم میدان وردک رسانده ضمناً در مورد نقش و اهمیت حاکمیت قانون نیز صحبت نمودند.

سپس موصوف از محبس میدان وردک دیدن نموده با محبوسین ملاقات و مشکلات شانرا شنیده، عراض شانرا دریافت و به مسولین هدیایات لازم سپردند. ادامه در ص ۳

ولایت میدان وردک گردید. از وزیر عدلیه ج.ا.ا. والی، رئیس عدلیه، قوماندان امنیه، مدیر محبس و جمع کثیری از بزرگان و منتفدین قومی استقبال نمودند. وزیر عدلیه ج.ا.ا. ابتدا پیام رئیس جمهوری اسلامی افغانستان را به اراکین

خارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا. روز پنج شنبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۰۹ در حالیکه وی را دگر جنرال امیر محمد جمشید رئیس عمومی محابس و توقیفخانه ها و دگر جنرال هارورد معاون قوماندانی نیروهای آیساف همراهی مینمود به سلسله سایر سفر های ولایتی خود وارد